

معرفی کتاب های شرق شناسی

حمید خوشنویس

ادوارد سعید، در مورد پیدایش مفهوم شرق می گوید: شرق شناسی به عنوان مجموعه ای از دانش و نظام باز نموده، توانست شرق را هم چون «دیگری خاموش» تمدن اروپایی تصویر کند. خطی که برای جدا کردن شرق و غرب در جایی میان یونان و ترکیه کنونی کشیده شد، بیش از آن که یک واقعیت طبیعی باشد، یک اختراع «جغرافیایی خیالی» اروپایی بود.^۱

با این تعریفی که از شرق ارائه شد، مفاهیم گوناگونی که شرق در نگره غربیان دارد به اجمال بیان می کنیم:

۱. مفهوم جغرافیایی: در این مفهوم مراد از شرق، همان آسیا، خاور میانه باستانی و دنیای غیر اروپایی است.
۲. مفهوم ایدئولوژیکی: این معنا، شرق مسلمان را در برابر غرب مسیحی قرار می دهد.

۳. مفهوم سیاسی: وقتی در یک مفهوم سیاسی از شرق صحبت می شود، در واقع به خطری اشاره شده است که دنیای مسیحیت و غرب و جهان سرمایه داری را تهدید می کند و این خطر در حال حاضر در اسلام - سابقاً در سرسالیسم - نهفته است.^۲

با توجه به تعریف های یاد شده، می توان به بن پایه های فکری کتاب های مانند برآمده تمدن اثر هانتینگتون و تهدید اسلام نوشته اسپوزیتو پی برد.

پیدایش شرق شناسی

شرق شناسی به طور عملی ریشه تاریخی دارد و حتی می توان رگه های آن را در یونان باستان جستجو کرد. مثلاً تاریخ هرودت را می توان نوعی شرق شناسی خواند. ولی با تمامی اینها، شرق شناسی به صورت علمی مستقل در ۱۳۱۲ میلادی

تحقق یافت. در این سال در «وین» در انجمن علمای مسیحی تصمیم گرفته شد که در دانشگاه های شهرهای بزرگی مانند «پاریس»، «اکسفورد»، «سالامانکه»، «بولونی» و «اونیون» کرسی های زبان عربی، یونانی و عبرانی افتتاح گردد. مهره اصلی این تصمیم گیری «ریمون لول» بود. به اعتقاد او با شناخت زبان عربی می توان به راحتی در بین اعراب نفوذ کرد و آنان را به مسیحیت کشاند.^۳

از تصمیم یاد شده می توان چنین نتیجه گرفت که شرق شناسی قرون وسطایی جنبه تبشیری داشته است. بعدها در عصر رنسانس شرق شناسی از حالت تبلیغ مذهبی خارج شد و در عصر روشنگری (قرن هیجدهم) بود که شرق شناسی چهره واقعی خود را یافت. در این دوره مطابق فلسفه دکارتی، غربی ها خود را محور عالم دانستند و خود را معیار مطالعه فرهنگ ها و ملیت های دیگر قرار دادند. تقابل های دوگانه مکتب ساختاری، از محصولات فکری عصر روشنگری است که بر اساس آن غربی ها خود را سوژه و فاعل شناسایی و غیر خود را که در ضمن عامل شناخت خود نیز می شد - تعریف الاشیاء باضدادها - متعلق شناسایی یا اوبژه فرض کردند و به تعبیر مرحوم فرید با مظهر اسمی خود که همان انسان مداری و هیچ انگاری و با ادبیات خود که همان ادب الدنیای صرف است به مطالعه فرهنگ های دیگر و به خصوص فرهنگ شرق که ادب الدین و الدنیا بر آن حاکم بود، دست یازیدند.^۴ با همین ذهنیت، آنان

۱. روشنفکران ایرانی و غرب، ص ۱۸.

۲. ر. ک: شرق شناسی، ص ۵ و ۴.

۳. همان، ص ۵.

۴. فرهنگ و زندگی، شماره ۷، مقاله چند پرسش در باب فرهنگ شرق، ص ۳۲.

علمی از قبیل انسان‌شناسی و مردم‌شناسی و هم‌چنین شرق‌شناسی را نشان نهدند.

اصطلاح شرق‌شناسی برای اولین بار در سال ۱۷۶۹ م. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد به کار رفت و در سال ۱۸۳۸ م. در فرهنگ علمی فرانسه درج گردید. در اندیشه اروپاییان، جهان شرق شامل همه ملت‌هایی است که در شرق قاره اروپا قرار دارد، که عبارتند از: خاور نزدیک و میانه و دور.^۵

ادوارد سعید در شکل‌گیری و تکوین شرق‌شناسی قرن هیجدهم از چهار جریان فکری یاد می‌کند:

الف) گسترش اروپا و نفوذ آن در شرق؛

ب) مقایسه تاریخی؛ به این معنا که شرق‌شناسانی چون جورج سیل-مترجم قرآن به انگلیسی- و ادوارد گیون، اطلاعات مربوط به شرق و دنیای اسلام را در رابطه با غرب قرار می‌دهند.

ج) علاقه و گرایش رمانتیکی به شرق؛ نظیر علاقه هردر، موزارت و گوته و دیگران.

د) طبقه‌بندی گروه‌های انسانی. به عنوان مثال لینه، طبیعت‌شناس سوئدی در ۱۷۵۸ م. نوع بشر را به چهار دسته آمریکایی، اروپایی، آسیایی و آفریقایی تقسیم کرد.^۶ هرچند این چهار جریان فکری در شکل‌گیری شرق‌شناسی مهم هستند، باید توجه داشت که همین جریان‌ها نیز به نوبه خود محصول نوع فکری و جهان‌بینی مبتنی بر انسان‌مداری غرب در عصر روشنگری می‌باشند. با این مختصر، در ادامه بحث، اشاره‌گذاری به انگیزه‌های شرق‌شناسان کرده به اهداف آنان نظری می‌افکنیم:

انگیزه‌های شرق‌شناسان

انگیزه‌های شرق‌شناسان را دکتر محمدحسین علی‌الصغیر به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. کسانی که انگیزه‌های تبشیری داشته‌اند. ۲. گروهی که اغراض و اهداف استعماری داشته‌اند. ۳. دسته‌ای که صرفاً انگیزه‌های علمی، هدف آنها بوده است.^۷

در مورد انگیزه‌های تبشیری شرق‌شناسان، «رودی یارت» اظهار کرده که هدف اصلی تلاش‌های خاورشناسان، در سال‌های آغازین قرن دوازدهم میلادی و نیز در قرون بعدی، عبارت از همان «تبشیر» بوده است. وی تبشیر را چنین تعریف می‌کند: «تبشیر یعنی به مسلمانان با زبان خودشان بیاورانند که اسلام دین باطلی است و در عوض زمینه‌گرایی و جذب آنها را به دین مسیح فراهم سازند.^۸ محمد البهی در کتاب المبعثرون و المستشرقون فی موقفهم من الاسلام و دکتر بکری امین در التبصیر الفنی فی القرآن مطالعات دقیقی در باب انگیزه‌های تبشیری

شرق‌شناسان انجام داده‌اند که به دلیل ضیق مجال از آوردن آرای آنها خودداری می‌کنیم.

از حقایق مسلم تاریخی، رابطه شرق‌شناسی با استعمار است. شرق‌شناسی راه را برای حضور و نفوذ استعمار هموار می‌ساخت. گفته‌اند:

«آنتونی آیدن» نخست‌وزیر انگلستان در سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۵۷، هیچ سیاستی را درباره شرق اتخاذ نمی‌کرد، مگر پس از این‌که با گروهی از استادان شرق‌شناس دانشگاه آکسفورد گفتگو می‌کرد.^۹

نجیب العقیقی که در باب استشرق بسیار کار کرده است، درباره روابط شرق‌شناسان و حکومت‌های استعماری، سخن نغزی دارد:

هنگامی که حکومت‌های غربی، در صدد برقراری روابط سیاسی با دولت‌های شرقی برآمدند، مستشرقان را دور و بر خود جمع کرده و آنها را محرم اسرار خود قرار دادند. ایشان را گاهی با لباس نظامی گری و زمانی با مناصب دولتی روانه کشورهای شرقی نمودند. حقوق فراوانی برای آنان در نظر گرفتند و با القاب پرطمطراقی به عضویت در مجامع علمی مفتخرشان ساختند...^{۱۰}

در عوض این شرق‌شناسان نیز یافته‌های علمی خود را در اختیار دولت‌های استعماری قرار داده و راه را جهت استعمار ملل شرق هموار ساختند.

البته در میان شرق‌شناسان، کسانی نیز هستند که با عشق و علاقه و با انگیزه‌های علمی مطالعه و تحقیق می‌کنند. این گروه از شرق‌شناسان گاه از لحاظ دقت علمی و آگاهی به مراتب از دانشمندان شرقی قوی‌ترند. مرحوم میرزا محمدخان قزوینی که خود در دقت علمی و مراتب دانش شخصیتی بی‌همتا بود و به آثار شرق‌شناسان نیز با دیده انتقاد می‌نگریست و بعضی از آنها را «شارلاتان» می‌نامید (چراغ تجربه، ص ۴۷۸). قدرت علمی و آثار عده‌ای از مستشرقان و شیوه‌های تحقیقاتی دقیق آنها را می‌ستاید و از آن میان افرادی چون مارکوارت و زاخائلو و براون را به نیکویی یاد کرده، آثار آنان را ارج می‌نهد.

در این گردآوری، مقصود نگارنده معرفی آثاری است که

۵. ر. ک: سیرتاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، ص ۸۸.

۶. شرق‌شناسی، مقدمه، ص ۸.

۷. خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی، ص ۱۷.

۸. همان، ص ۱۸.

۹. سیرتاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، ص ۸۸.

۱۰. المستشرقون، ص ۱۱۴۹.

مسلمانان و دیگران در مورد شرق شناسی به عنوان یک «معرفت» نگاشته اند و به نحوی از انحاد در مورد انگیزه شرق شناسان و اهداف آنان سخن گفته و یا به نقد آرا و افکار آنها پرداخته و یا این که در باب فلسفه پیدایش شرق شناسی سخن رانده اند.

کتاب ها:

۱. اجنحة المکر الثلاثة وخوافیها، التبشیر والاستشراق والاستعمار: دراسة وتحلیل وتوجیه. عبدالرحمن، حسن حنبله الميدانی، دارالقلم-دمشق، چاپ چهارم، ۱۴۰۵.
۲. الاستشراق. دکتر ادوارد سعید. مترجم: کمال ابودیب، مؤسسه الابحاث العربیه، بیروت، ۱۹۸۴ م.
۳. الاستشراق الالمانی: ماضیه ومستقبله. صلاح الدین المنجد.
۴. الاستشراق الیوم: المستشرقون أقل درایة بأسرار اللغة العربیه. محمود الغول.
۵. الاستشراق بین الموضوعیه والافتعالیه. قاسم السامرائی، دارالرفاعی، الرياض، ۱۴۰۳.
۶. الاستشراق: رساله استعمار تطور الصراع الغربی مع الاسلام. محمد ابراهیم، الغیومی.
۷. الاستشراق فی الفن الرمانسی الفرنسی. بیطار زینات.
۸. الاستشراق والاستشراق معکوساً. صادق جلال العظم، دارالحداثة-بیروت، ۱۹۸۱ م.
۹. الاستشراق والتبشیر وصلاتهما بالامبریالیه العالمیه. احمد ابراهیم خلیل، مکتبه الوعی الحرجی-قاهره، ۱۹۷۳ م، ۱۹۳ ص.
۱۰. الاستشراق والخلفیه الفکریه للصراع الحضاری. دکتر محمود حمدی، زقزوق، سلسله کتاب الامه القطریه.
۱۱. الاستشراق والمستشرقون. عدنان محمد وزان، رابطه العالم الاسلامی-مکه المکرمة، ۱۴۰۴، ۲۲۱ ص.
۱۲. الاستشراق والمستشرقون فی الأدبیات العربیه. علی بن ابراهیم، النمله، مرکز الملك فیصل للبحوث والدراسات الاسلامیه-الرياض، ۱۴۱۳، ۳۳۶ ص.
۱۳. اسرار عقب ماندگی شرق. ناصر مکارم، شیرازی، انتشارات نسل جوان-قم، ۱۳۴۸.
۱۴. الاسلام والمستشرقون. ابوالحسن، الندوی.
۱۵. الاسلام والمستشرقون. دکتر عبدالجلیل شلبی، القاهره، ۱۹۷۷.
۱۶. الاسلام والمستشرقون. محمود حمدی، زقزوق، مکتبه وهب-القاهره، ۱۴۰۴.

۱۷. الاستشراق والمستشرقون. دکتر مصطفی، السباعی.
۱۸. أضواء علی اخطاء المستشرقین فی المعجم المفهرس لألفاظ الحدیث النبوی. سعد المرصفی، دارالقلم-الکویت، ۱۴۰۸، ۲۱۰ ص.
۱۹. أضواء علی الاستشراق. محمد عبدالفتاح، علیان، دارالبحوث العلمیه-الکویت، ۱۴۰۰ هـ. ق.
۲۰. انتاج المستشرقین واثره فی الفکر الاسلامی. مالک بن نبی، دارالارشاد، بیروت.
۲۱. التبشیر والاستشراق. محمد عزت، الطهطاوی. ابن کتاب در قاهره به طبع رسیده است.
۲۲. خاورشناسان و پژوهش های قرآنی. دکتر محمدحسین علی، الصغیر. مترجم: محمد صادق شریعت، مؤسسه مطبع الفجر، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۲۳. خاورشناسی در روسیه و اروپا. بارتولد. مترجم: حمزه سردادور، انتشارات ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۵۱، ۳۵۹ ص.
۲۴. خاورشناسی و توطئه خاورشناسان. مریم جمیل (مارگرت مارکوس) مترجم: سید غلامرضا، سعیدی، دارالتبلیغ اسلامی، قم، ۱۳۵۱ هـ. ق.، ۳۱۸ ص.
۲۵. رؤیه الاسلامیه للاستشراق. احمد، عبدالحمید غراب، المتدی الاسلامی، لندن، ۱۴۱۱ هـ. ق.
۲۶. سموم الاستشراق فی العلوم الاسلامیه. انور الجندی، دارالجلیل، بیروت، ۱۴۰۵ هـ. ق.، ۲۱۳ ص.
۲۷. سیر تاریخی و ارزبایی اندیشه شرق شناسی. دکتر محمد دسوقی. مترجم: دکتر محمودرضا افتخارزاده، نشر هزاران، تهران، ۱۳۷۶ هـ. ق.
۲۸. شرق شناسی. ادوارد سعید، مترجم: دکتر عبدالرحیم، گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ هـ. ق.، ۱۱+۶۲۱ ص.
۲۹. شرق شناسی [شرقی که آفریده غرب است]. ادوارد سعید. مترجم: دکتر اصغر عسکری خانقاه و دکتر حامد فولادوند، انتشارات عطایی، تهران، ۱۳۶۱، ۹۶ ص.
۳۰. شرق شناسی و شرق شناسی وارونه. صادق جلال العظم، انتشارات دانشگاه اکسفورد، ۱۹۸۱ م. نام اصلی کتاب «orientalism and orientalism in Reverse» می باشد.
۳۱. صور استشراقیه. دکتر عبدالجلیل شلبی.
۳۲. الظاهره الاستشراقیه واثرها علی الدراسات الاسلامیه. دکتر سامی سالم الحاج، مرکز دراسات العالم الاسلامی، مالت.

۳۳. فرهنگ خاورشناسان. ابوالقاسم سحاب، انتشارات «کتاب سحاب». در این کتاب به شرح حال دانشمندان ایران شناس و مستشرقین به دید مثبت پرداخته شده است.
۳۴. فرهنگ کامل خاورشناسان. عبدالرحمان، بدوی. مترجم: شکرالله خاکرند، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵.
۳۵. فلسفه الاستشراق و اثرها فی الأدب العربی المعاصر. دکتر احمد سمایلوفتش، دارالمعارف، قاهره، ۱۹۸۰م.
۳۶. الفكر الاستشراقی، تاریخه وتقویمه. دکتر محمد الدسوقی، مؤسسة التوحید للنشر الثقافی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۶هـ.ق.
۳۷. قوى الشر المتحالفه: الاستشراق، التبشیر، الاستعمار وموقفها من الاسلام والمسلمین. محمد محمد الدهان، دارالوفاء، المنصوره، طبع دوم، ۱۴۰۸.
۳۸. مجموعه مقالات تحقیقی خاورشناسی. دانشگاه تهران، ۱۳۴۴. این مجموعه مقالات به «هانری ماسه» اهدا شده است.
۳۹. المبشرون والمستشرقون فی موقفهم من الاسلام. محمد البهی. این کتاب آثار شرق شناسان را به نقد کشیده و دکتر محمد یحیی هاشمی نیز کتابی نوشته و این کتاب را نقد کرده است.
۴۰. المستشرقون. نجیب العقیقی، دارالمعارف، قاهره، ۱۹۷۰م. این کتاب بزرگترین اثری است که در رابطه با شرق شناسی در سه جلد تدوین شده است.
۴۱. المستشرقون الألمان تراجمهم وما أسهموا به فی الدراسات العربیة. صلاح الدین، المنجد، دارالکتاب الجدید، ۱۹۸۲م.
۴۲. المستشرقون الیریطانیون. آرتور. جان. آربری. مترجم: محمد دسوقی، نویسی. این کتاب ترجمه ای است از کتاب British orientalisists که در لندن به سال ۱۹۴۳ به طبع رسیده است.
۴۳. المستشرقون الناطقون بالانجلیزیه. عبداللطیف، طیباوی. مترجم: فتحی عثمان، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، الرياض، ۱۴۱۱هـ.ق.
- اصل این کتاب به زبان انگلیسی است و یکبار نیز به قلم قاسم سامرای به عربی ترجمه شده است.
۴۴. المستشرقون مالهم وما علیهم. دکتر عمر فروخ.
۴۵. المستشرقون والاسلام. ابراهیم اللبان، الأزهر، قاهره، ۱۳۹۰هـ.ق.
۴۶. المستشرقون والاسلام. زکریا هاشم.
۴۷. المستشرقون والتاریخ الاسلامی. دکتر علی حسنی الخربوطلی، قاهره، ۱۹۷۰م.
۴۸. المستشرقون والتراث. دکتر عبدالعظیم الدینب، دارالوفاء، المنصوره.
۴۹. المستشرقون والدراسات الاسلامیه. محمد عبدالله، ملیاری، دارالرفاعی، الرياض، ۱۴۱۰هـ.ق.
۵۰. المستشرقون والدراسات القرآنیة. دکتر محمد حسین علی الصغیر، المؤسسة الجامعیة للدراسات والنشر والتوزیع، طبع دوم، ۱۹۸۶م، ۱۳۱ص.
۵۱. المستشرقون وتاریخ صلتهم بالعربیه، بحث فی الجذور التاریخیه للظاهرة الاستشراقیه. دکتر اسماعیل احمد عمایرة، دارحنین، عمان، ۱۹۹م، ۷۹ص.
۵۲. المستشرقون ومناهجهم اللغویة- المنهج التاریخی والمنهج المقارن والمنهج الوصفی والمنهج الاحصائی. دکتر اسماعیل احمد عمایرة، دارحنین، عمان.
۵۳. المستشرقون ونظریاتهم فی نشأة الدراسات اللغویة العربیة. دکتر اسماعیل احمد عمایرة، دارحنین، عمان.
۵۴. مصادر المعلومات عن الاستشراق والمستشرقین. علی بن ابراهیم، النملة، مكتبة الملك فهد الوطنیه، ۱۴۱۴هـ.ق.
۵۵. مطالعات شرقی در بریتانیا ی کبیر. اج. ا. ر. گیب، انتشارات دانشگاه هاروارد، ماساچوست، ۱۹۵۱. این کتاب رساله ای است در هشتاد صفحه که در «خاورمیانه و قدرت های بزرگ» ریچارد فرای به طبع رسیده است.
۵۶. المتقی من دراسات المستشرقین. دکتر صلاح الدین المنجد.
۵۷. موسوعة المستشرقین. عبدالرحمن، البدوی، دارالعلم للملایین، طبع دوم، ۱۹۸۹م.
۵۸. موقف المستشرقین بین المشاركة. دکتر صبحی ناصر حسین، سلسله کتب الثقافة المقارنه، بغداد.
۵۹. نظرات الاستشراقیه. دکتر محمد غلاب، قاهره.
۶۰. نقد آثار خاورشناسان. مصطفی حسینی طباطبائی، انتشارات چاپ بخش، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۲۲۳ص.
۶۱. نقد آراء و افکار اسلام شناسان آلمانی. سید حسین موسویان، دفتر مطالعات سیاسی.
۶۲. نقد الاستشراق و أزمة الثقافة العربیه المعاصره. فؤاد زکریا.
۶۳. نموذج من تهافت الاستدلال فی دراسات المستشرقین. شاکر محمود، عبدالمنعم.